

تقویم زندگی شوپن

(۲)



۱۸۴۷

۱۰ آوریل :

امیلی شوپن در چهارده سالگی بعلت ابتلا به بیماری سل ریوی در گذشت. فردريك اولین ضربه بزرگ زندگی را احساس کرد.

فامیل عزادار شوپن، «آبار آلمان» قصر کازیمیر را که پراز خاطرات دختر از دست رفته بود ترك کرد، و در قصر کرازینسکی شماره ۵، محله «کرا-کووی» اقامت گزید.

شوپن قطعه واریاسیون روی تم دون ژوان اثر موزار و «لاسی دارم لامانو» را که در سال ۱۸۳۰ در وین منتشر شد، تصنیف کرد. این هر دو اثر باعث تهییج و تحسین فراوان شومان گشت.

همچنین سونات در دو مینور را تصنیف و به «ژوزف السنر» تقدیم نمود. این اثر دو سال بعد از فوت موسیقیدان منتشر شد.

سپتامبر :

برای اولین بار فردریک شوپن بخارج از کشور خود سفر کرد .
این سفر در معیت پروفیسور «ژاروکی» استاد دانشگاه ورشو برای
شرکت در کنگره مجمع طبیعی دانه در برلین انجام گرفت و سه هفته بطول
انجامید .

موسیقیدان جوان به کنسرت و اوپرا رفت ؛ ولی آنچه شنید دل و جان
را سیراب نکرد .

هنگام مراجعت فردریک در «سی لیشوو» و «پوزنان» منزل کشیش
«ولسکی» توقف کرد و در طالار سفید «وایدی» که هنوز باقی مانده است ،
قطعاتی با پیانو اجرا کرد .

در «سی لیشوو» هنگام تغییر اسبهای دلیجان ، پیانویی در اطاق یک
خانه دهاتی توجه شوپن را جلب کرد .

همه باعجاب و تحسین بقطعه ای که شوپن نواخت گوش فرا دادند و
از او خواستند که چندین بار آهنگ را تکرار کند .

اما شوپن مجبور بمراجعت بود و مستمعین او را با تحسین و هلهله تا
نزدیک دلیجان بدرقه کردند .

این ماجرا افسانه های زیادی درباره شوپن بوجود آورد .

در این سال شوپن آهنگهای متعددی تصنیف کرد .

اتوذهای شماره ۱ و ۲ ، «رونندو در دو ماژور» که بعد از وفاتش منتشر
شد ، «رونندو بسبک کرا کوویاک» و «پولونز» بعلاوه تریو در سل مینور و
یک رونندو که در ورشو نزد «برززینا» منتشر شد ، از جمله کارهای آن زمان
شوپن بشمار میروند .

ژوئیه :

تحصیلات شوپن در کنسرواتوار موسیقی ورشو پایان یافت .
«ژوزف السنر» در گزارش خود راجع باین شاگرد بی نظیر نوشت :
شوپن (فردریک) با امکانات مافوق تصور ؛ نابغه موسیقی .

در اولین سفر شوپن به وین استقبال شدید علاقمندان و عشاق موسیقی او را بر آن داشت که کنسرتی در تاریخ ۱۱ اوت اجرا کند. موفقیت این کنسرت آنچنان بود که او را وادار به تجدید آن در ۱۸ اوت نمود. شوپن از راه کرا کووی، بیلسکو به لهستان بازگشت و از پراگ، درسدن و ورکلو نیز دیدن کرد.

مدت کوتاهی بعد از مراجعت با خواننده جوانی بنام «کنستانس گلاد-کووسکا» آشنا شد. کنسرتو در فا مینور یادگار علاقه قلبی شوپن باین خواننده است.

در همان زمان «گرانده فانتری در لاماژور» برای پیانو و ارکستر را از روی آهنگهای لهستانی تصنیف کرد.

اکتبر :

شوپن مدت کوتاهی نزد مادر خوانده خود مادام «آناویزیولووسکا» و یک هفته نزد شاهزاده «آنتوان رادزیویل» در قصر آنتونن اقامت کرد. شاهزاده خانم «الیز رادزیویل» دو طرح مدادی از صورت شوپن ترسیم نمود. همچنین نقاشی بنام «میروزوسکی» دو تابلو از پدر و مادر شوپن تهیه کرد.



شوپن در حال فواختن پیانو در یکی از مجالس اشرافی

۱۹ دسامبر :

کنسرت شوپن در ورشو روابط صمیمانه‌ای بین او و مشاهیر ادب آن زمان مانند ویتوئیسکی، موشانسکی، زالسکی و غیره برقرار کرد .

۱۸۳۰

۸ فوریه :

برای اولین بار کنسرتو در فامینور در سالن خانوادگی شوپن به همراهی ارکستر کوچکی و در مقابل عده‌ای از خواص اجرا گردید . از آن پس موضوع مسافرت طولانی آهنگساز جوان برای کسب معلومات بخارج از کشور مطرح شد و مورد بحث واقع گردید .

۱۷ مارس :

شوپن در تئاتر ملی ورشو « کنسرتو در فا مینور » و فانتزی روی آهنگهای لهستانی را نواخت .

۲۳ مارس :

در برنامه تازة تئاتر ملی، کنسرتو در فامینور، روندوی و کرا کوویاک اجرا شد . شوپن این برنامه را فاتحانه و بایک بداهه نوازی پایان رساند .
تابستان :

شوپن کنسرتو درمی مینور را تصنیف کرد .

در ژوئیه برای آخرین بار نزد دوستش « تیتوس ویشیوسکی » در « پوتورزین » اقامت کرد .

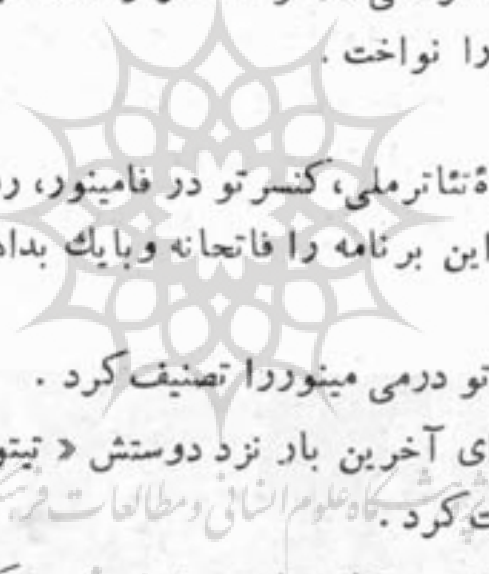
در آخرین کنسرت تئاتر ملی ورشو، شوپن کنسرتو درمی مینور و فانتزی روی آهنگهای لهستانی را اجرا نمود و « کنستانس گلاد کووسکا » کنسرت را با آواز خود همراهی کرد .

۱۸۳۰

۳ نوامبر :

شوپن ورشو را برای همیشه ترك كرد . دوستانش نزدیک دروازة « وولا » بافتخارش آوازی را که السنر ساخته بود و خود نیز اجرا کنندگان را رهبری میکرد، خواندند .

۲۴



«تیتوس» در «کالیز» بشوپن پیوست و باتفاق از «وروکلو» (بعد از
اجرای برنامه کوچکی) وپراگ گذشتند وروز ۲۴ نوامبر واردوین شدند.
۲۹ نوامبر :

انقلاب در ورشو آغاز شد . فردریک تصمیم بیازگشت گرفت . ولی
«تیتوس» که نفوذ زیادی در او داشت و میدانست که بنیه ضعیف شوپن قادر
به تحمل ناراحتیها نخواهد بود ، مانع اجرای تصمیمش شد .
شوپن بادکتر «مالفاتی» آخرین طبیب «بتهوون» صمیمتی پیدا کرد؛



همچنین با ویولونیست عالیقدر چک « ژوزف سلاویک » آشنا شد .

۱۸۳۱

۴ آوریل :

شوین وده نفر هنرمند دیگر در سالون «ردوت» کنسرتی با مساعدت خانم «گراسیا-وستریس» اجرا کردند .

۱۶ ژوئن :

شوین کنسرتی ترتیب داد و شخصاً پیانو نواخت .

۲۰ ژوئیه :

از راه «سالزبورگ» و مونیخ عازم پاریس شد .

۲۴ اوت :

شوین در میان استقبال بی نظیری کنسرتو در می مینور و فانتزی روی آهنگهای لهستانی را به همراهی ارکستر فیلارمونیک مونیخ اجرا کرد .

سپتامبر :

شوین وارد «شتوتگارت» شد . ساعتی که در این شهر گذراند از سخت ترین و دردناکترین لحظه های عمر او بود . بزودی خبر سقوط ورشورا باو دادند .

کشتار وحشتناک ورشو، شهر را خالی از سکنه کرده بود و شوین در نگرانی و وحشت از دست رفتن کنستانس و خانواده اش بسر میبرد . این ناامیدی واضطراب در صفحات دفتر خاطرات شوین بنام « یادداشت های شتوتگارت » منعکس شده است . تصنیف اتود شماره ۱۲ بنام « انقلابی » را نیز مربوط بهمین زمان میدانند .

شوین تصمیم گرفت که راهش را بطرف پاریس ادامه دهد . بمحض ورود پاریس دو اطاق در طبقه پنجم منزل شماره ۲۷ بلوار « پواسونیه » اجاره کرد .

ماه های سپتامبر ، اکتبر ، نوامبر :

تنها سفارشنامه هایی که شوین در دست داشت نامه دکتر «مالفاتی» بآدرس « آهنگساز پابر » و چند نامه بعنوان ناشرین پاریسی بود . بزودی شوین با هیلر، لیست، کالکبرنر، پیکسیس، کروینی، فیس و غیره آشنا شد .





ذسامیر :

مقاله مشهور شومان درباره واریاسیون روی یک تم از دون ژوان که در مجله «آلمان موزیک زیتونگ» منتشر شد، نبوغ هنری شوپن را نمایاند.

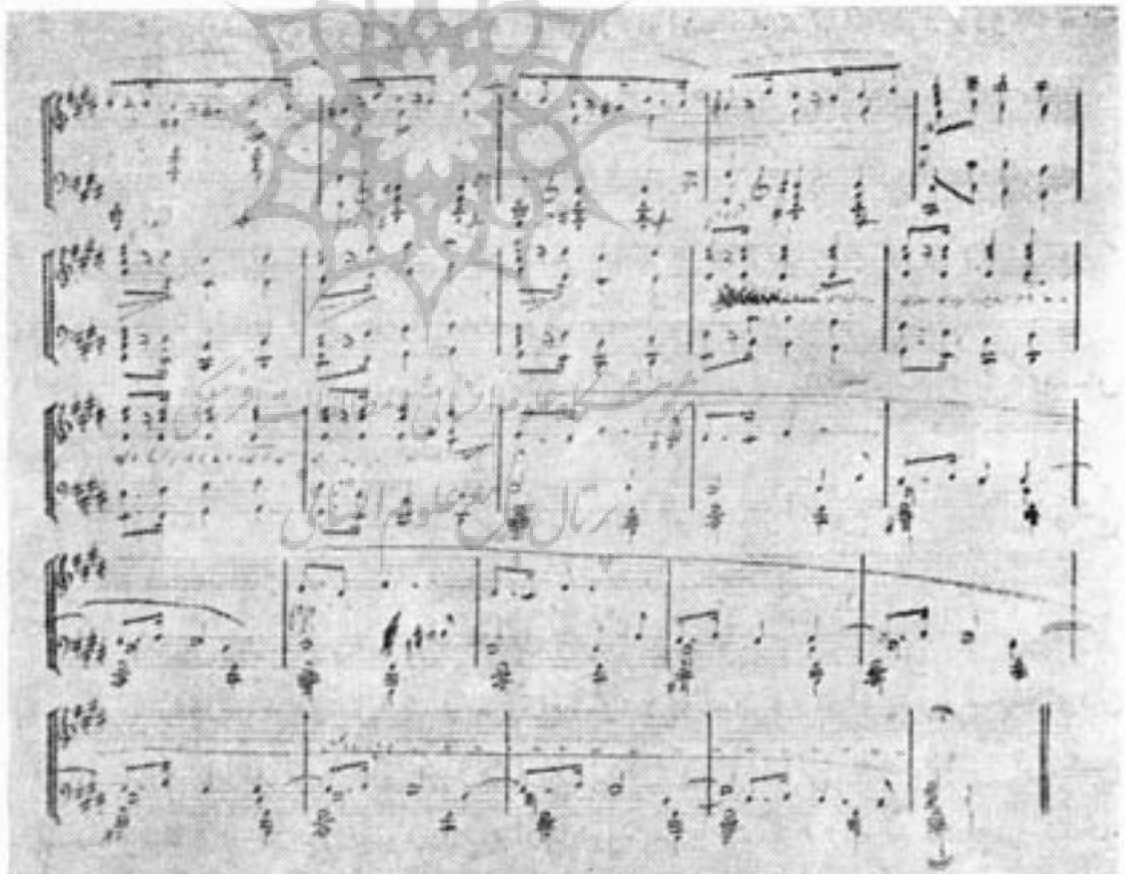
عروسی کنستانس با «ژوزف گرابووسکی» در این سال انجام گرفت.

۱۸۳۳

۲۶ فوریه :

اولین کنسرت شوپن در پاریس، در خانه «پلییل» شماره ۹ کوچه «کاده» اجرا شد. سیزده هنرمند دیگر مانند کالکبرنر، هیلر، اوسبورن، سووینسکی نیز در آن شب هنر نمائی کردند.

در برنامه از شوپن اینطور نام برده بودند: «آقای فردریک شوپن از لهستان». و شوپن کنسرتو در فا مینور، واریاسیون و «لا سی دارم لامانو» را نواخت.



نمونه دستخط شوپن

آوریل و مه :

شوین در کنسرت‌هایی که دیگر موسیقیدانان ترتیب میدادند شرکت می‌کرد. در شب نشینی منزل « بارون جاس روتشلید » فردریک روح اجتماع اشرافی پاریس را تسخیر کرد .

دوره درخشان استادی شوین شروع شد. هر روز دستجات پناهندگان لهستانی پاریس وارد میشدند و شوین با آنها روابط دوستانه ای برقرار میکرد .

در بین پناهندگان برخی از دوستان شوین از قبیل: رادزیویبل، کومار، کنتس دولفین و پوتوکا دیده می شدند .

در این سال چهار مازورکا از اپوس ۶ و پنج مازورکا از اپوس ۷ منتشر شد .

«وینورون» تابلوئی از چهره شوین کشید و بوسیله چاپ سنگی تهیه و منتشر نمود .

شوین منزل خود را در « بولوار پواسونیه » ترک کرد و در « سیه برژه » اقامت گزید .

۱۸۳۳

شوین ولیست درجشنی که بنفع خانم « هاریت سمیتسون دو برلیوز » هنرپیشه عالیقدر تأثر برپا شده بود، قطعاتی نواختند .

شوین عضویت جمعیت ادبی لهستان در پاریس انتخاب شد و با « ولسان بلینی » طرح دوستی ریخت .

در جمعیت « بولوئسلیست مشهور » اوگوست فرانشوم « تابستان خوشی در « تورن » گذراند .

شوین در کنسرت‌های متعددی شرکت کرد .

انتشارتربودرسل مینور برای پیانو، ویلون و ویولونسل، سه نکتورن اهدا شده بخانم « کامیل پلییل »، دوازده اتود اهدائی به دوستش فرانسیس لیست، کنسرتو درمی مینور و « واریاسیون بریانت » روی تم روندو فاوری. شوین منزلش را به خانه شماره ۵ « شوسه دانتن » و سپس به خانه

شماره ۳۸ همان محله منتقل کرد .

۱۸۳۴

بهار :

یکی از عزیزترین دوستان شوپن، « ژان ماتوزینسکی » به پاریس وارد شد. وی مدت دو سال بسرپرستی شوپن زندگی کرد و توانست تحصیلات خود را در رشته طب به پایان برساند.

ماه :

شوپن در معیت « فردیناند هیلر » در فستیوال « اکس لاشاپل » شرکت کرد. کولونی، کوبلانس و دوسلدورف را گردش کرد و با مندلسون آشنا شد. در مراجعت پاریس در کنسرت « برلیوز » و « فردیناند هیلر » که بنفع « ستوبل » ترتیب داده بود، شرکت کرد.

مجموعه ای از آهنگهای شوپن از قبیل : گراند فانتزی در لا ماژور



در ۱۴ فوریه ۱۹۶۰ « آرتور روبنشتین » برای داوری افتخاری در ششمین کنکور بین المللی شوپن وارد ورشو گردید

روی آهنگهای لهستانی بهمراهی پیانووار کستر، روندو کرا کوویاک اهدا شده به پرنسس زارتوریسکا، سه نوکتورن اهدائی به فردیناند هیلر، روندو درمی بمول ماژور، چهارماژورکا، گراند والس درمی بمول ماژور و بوله رو، بچاپ رسید.

شوین فانتزی امپرونتو را نیز تصنیف کرد.

۱۸۴۵

۴۴ فوریه :

شوین در منزل «ارارد» قطعه‌ای برای دو پیانو را با فردیناند هیلر که خود سازنده آهنگ بود اجرا کرد.

۴۳ مارس :

کنسرتی در منزل «پلییل اجرا نمود.

۵ آوریل :

کنسرتی بنفع پناهندگان لهستانی ترتیب داده شد که شوین در آن قطعاتی نواخت.

۳۶ آوریل :

شوین قطعات «آنداته سپیانانو» و «گراند پولونز بریانت» در می بمول ماژور را در کنسرواتوار پاریس نواخت و موفقیت افتخار آمیزی کسب کرد. *ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

اواخر ژوئیه :

در «آنژین» در هتل «مارکی دو کوستین» اقامت کرد. قطعات سکر تسو درمی مینور و چهارماژورکا که به «کنت دو پرتوئیس» تقدیم شده بود، منتشر شد.

(ناتمام)

ترجمه فریده فرجام